

خدمت آقای احمد سعیدی سیاستمدار و تحلیل گر افغان:

عطف به نگارش خواندنی بی آقای سعیدی پیرامون عنوان " اعلامیه، فریاد دل ملت اسیر و خاموش " را در صفحه فیسبوک آقای احمد سعیدی مطالعه نمودم. آنچه مرا وا داشت در زمینه چند سطر به ادامه تحلیل جامع شما به هموطنان عزیز صمیمانه به عرض برسانم، سطور اخیر نوشته جناب سعیدی صاحب میباشند؛ که تقلاى نجات از روشنفکران، علما، روحانیون، منتقدین، منتقدین و متخصصین صورت گرفته است. جناب شما و سایر تحلیل گران و صاحب نظران محترم افغان بهتر میدانند که پیش برد اهداف سیاسی، به استراتژی، وسیله و افزار نیاز دارد، چه این اهداف صلح آمیز باشند چه غیر صلح آمیز.

اگر ائتلاف جهانی پلان صلح می داشت به چند جنگ سالار، ناقض حقوق بشر و . . . دست دوستی و معاونت دراز نمی نمود. ماشین جنگی چند هزار نفری تنظیم ها و طالب ها نیرومند تر از اردوی تا دندان مسلح ملیونی رژیم صدام حسین، نبود. جلسه بن باید در همان وهله اول از تشکل اهل سیاست، علما، روحانیون، روشنفکران، منتقدین، متخصصین که جناب شما امروز پس از 12 سال، تقاضا دارید، حمایت می بود، که نکردند. چون با تأسف چنین خواست شریفانه و عملی، اصلاً هدف نبود. فعلاً هم همان سیاست به دلایلی ادامه دارد و در چشم انداز، صلح عادلانه مطرح بحث نمی باشد.

اما، ملت فرقه فرقه ساخته شده افغان نباید دنبال چنین اهداف غیر شریفانه دیگران نا خودآگاه سرگردان باشد. چنانکه عده از روشنفکران، علما، روحانیون، منتقدین، متخصصین، مدعیان پیشتاز؟! جامعه داوطلبها در خدمت زور مندان و ناقضین حقوق بشر، قاچاق چیان و . . . قرار گرفته و به اصطلاح در نقش اعضای مخفی تنظیم ها (منحیث نفر خدمت جنگ سالار) از آدرس روشنفکر؟! اما تنظیم و تنظیم گرا، قوم گرا زبان پرست و سمت پرست در نهاد های مدنی، فعالین اجتماعی با سوی استفاده از حق آزادی بیان و رسانه ها، به دستور کشور های خارجی آگاهانه یا غیر آگاهانه اما عَقد مندانه در تخریب وحدت ملی و تخریش منافع ملی قرار گرفته اند.

به گمان این هیچمدان، ما برای عزت و بقای نسل خویش، حفظ قطعه خاکی به نام افغانستان محبوب که شرف، عزت و اعتبار همه ما در گروش است را، در صدر مکلفیت های شهروندی خود قرار داده و منحیث فرزندان و وارثان صدیق این مرزوبوم روی دفاع توان مند متحدانه خودی و نه بیگانه که وظیفه و وجیبه ملی ما است تکیه نموده و به جز از یاری خداوند متعال نباید انتظاری از دیگران داشته باشیم.

از همین جاست که نخستین گام، منافع ملی و وحدت ملی، سنگ تهادب مملکت و ملت (وحدت ملی، سیاست داخلی و منافع ملی - سیاست خارجی) ما را تعیین میدارد. که با تأسف توسط تعدادی از صاحبان خانه در اثر ندانم کاری، چسبیدن به ایدیولوژی های وارداتی، وابستگی های خارجی، بی عدالتی، یک جانبه گرایی و . . . و سیاست های تفرقه افکنانه حلقه اتصال ملت که وحدت ملی می باشد عمداً گم یا مفقود گردانیده شده است. بناءً از شخص جناب شما و همه دوستان دیگر که منحیث تحلیل گر از مجرای صفحات تلویزیون های داخل و خارج ملیونها مخاطب دارند به این اصل کلی توجه جدی مبذول داشته، علاوهً عدم همکاری و قطع مرادۀ روشنفکران، علما، روحانیون منتقدین، منتقدین و متخصصین با جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر، حتمی و ضروری پنداشته می شود.

با عرض حرمت مجدد